



دیدگاه فیلسوفان غربی درباره ذبح اسماعیل / جرایب توقف قربانی شدن اسماعیل

استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز با اشار به تفاسیر متعدد فلاسفه غرب از عمل قربانی شدن حضرت اسماعیل(ع) گفت: معروف ترین تفسیر متعلق به کرکگور است که بر اساس آن ابراهیم(ع) با قربانی کردن فرزندش از اخلاق فراتر رفت و درون را بر برون ترجیح داد.

استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز با اشار به تفاسیر متعدد فلاسفه غرب از عمل قربانی شدن حضرت اسماعیل(ع) گفت: معروف ترین تفسیر متعلق به کرکگور است که بر اساس آن ابراهیم(ع) با قربانی کردن فرزندش از اخلاق فراتر رفت و درون را بر برون ترجیح داد. محمد اصغری در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به اظهارنظرهای متعدد فلاسفه غربی از گذشته تاکنون درباره قربانی کردن حضرت اسماعیل(ع) توسط حضرت ابراهیم(ع) گفت: داستان حضرت ابراهیم(ع) از جمله داستان های دینی است که بسیار مورد توجه فلاسفه غربی از گذشته تاکنون بوده است. البته هر یک از این فلاسفه در جهت مشرب و سیر فکری خودشان این موضوع را تفسیر کردند.

وی افزود: قربانی کردن عملی است که در وهله نخست ضداخلاقی تلقی می شود و طبیعی است که هر عمل ضدعقلانی واکنش فلاسفه را برمی انگیزد به ویژه آنکه این عمل به ظاهر غیراخلاقی از سوی یک پیامبر سربزند. دوم اینکه هر متفکری در غرب یا مسیحی بوده یا یهودی و به نوعی ناچار بوده است داستان ابراهیم(ع) را از جنبه دینی تفسیر کند.

این نویسنده و پژوهشگر درباره مهمترین برداشت های فلسفی از داستان حضرت ابراهیم(ع) در سنت فلسفه غرب گفت: نظرات زیادی در این باره در فلسفه غرب مطرح شده اند که نظریات هفت فیلسوف، مهم ترین آنها محسوب می شوند.

وی آگوستین را نخستین فیلسوفی دانست که درباره قربانی شدن اسماعیل(ع) توسط ابراهیم(ع) به اظهارنظر پرداخت و گفت: آگوستین معتقد است این ایمان ابراهیم(ع) بوده است که او را به سمت قربانی کردن فرزندش سوق داد نه عقلش. این نظر برخلاف عقیده کرکگور است که اعتقاد دارد اول باید ایمان داشت تا سپس بتوان عقل را به کار برد.

اصغری افزود: در دوره های بعدی قرون وسطی، آکوئیناس این داستان را تفسیر کرد. او در تفسیر عمل ابراهیم(ع) هم جنبه دینی را در نظر گرفت و هم سعی کرد تفسیری فلسفی و عقل گرایانه از آن ارائه دهد. به اعتقاد او فرمان الهی که سبب ساز عمل قربانی کردن از سوی ابراهیم(ع) بود، هم از لحاظ دینی و ایمانی قابل توجیه است و هم از نظر عقلانی.

وی با اشاره به توماس هابز به عنوان مهم ترین فیلسوف دوره جدید که داستان ابراهیم(ع) را تفسیر کرد، گفت: هابز بیشتر جنبه حکومت داری ابراهیم(ع) را در تفسیر این موضوع در نظر گرفت تا جنبه قربانی شدن اسماعیل(ع) را.

استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز خاطرنشان کرد: در دوره روشنگری نیز این کانت بود که به تفسیر این عمل پرداخت و مدعی شد که قربانی کردن اسماعیل(ع) توسط ابراهیم(ع) امری غیرعقلانی است. به عبارت دیگر کانت عمل این پیامبر الهی را نقد می کند و مدعی می شود که حضرت ابراهیم(ع) نعوذبالله دچار توهم شده است.

وی ادامه داد: هگل نیز این موضوع را در راستای فلسفه خودش تفسیر می کند. او معتقد است که قربانی کردن اسماعیل(ع) از لحاظ دینی قابل توجیه است، این در حالی است که کرکگور که معروف ترین تفسیر را از این موضوع ارائه کرده است، اعتقاد دارد ابراهیم(ع) با این عملش از اخلاق فراتر رفت و درون را بر برون ترجیح داد.

این مدرس دانشگاه توضیح داد: به عبارت دیگر از نظر کرکگور ابراهیم(ع) با این عمل، کلی را کنار گذاشت و به جزئی رسید. جزئی جایش در دین است ولی جای کلی در اخلاق است. به باور کرکگور عمل ابراهیم(ع) عملی دینی بود و عقل می تواند آن را درک کند. او معتقد است این داستان ایمان از جایی آغاز می شود که عقل پایان می یابد، بنابراین عمل ابراهیم(ع) نیز عملی ایمانی بوده است.

اصغری، لویناس و دریدا را دو فیلسوف برجسته معاصر دانست که درباره داستان حضرت ابراهیم(ع) اظهارنظر کرده اند و گفت: لویناس مدعی است این عمل امری اخلاقی بوده است نه دینی. او اعتقاد دارد کشتن فرزند توسط این پیامبر الهی یک کار موجه اخلاقی است، زیرا خداوند به مثابه «دیگری"؛ مطلق به او چنین فرمانی داد.

وی افزود: لویناس همچنین درباره علت نجات اسماعیل(ع) چنین استدلال می کند که چهره مقدس اسماعیل(ع) بود که عمل کشتن و قربانی کردن را متوقف کرد. به نظر لویناس تقدسی در چهره دیگری وجود دارد که پیام آن «قتل ممکن"؛ است. وقتی به

چهره دیگری نگاه می کنیم گویی چهره با زبان بی زبانی می گوید مرا نکش.

اصغری با اشاره به تفسیر دریدا درباره این موضوع گفت: دریدا تفسیر ساختارشکنانه از داستان ابراهیم(ع) ارایه می دهد و معتقد است عمل ابراهیم(ع) همزمان می تواند اخلاقی و ضد اخلاقی باشد، یعنی ابراهیم(ع) هم تصمیم به قتل می گیرد و هم از این قتل به واسطه فرمان الهی جلوگیری می شود. بنابراین پارادوکسی در این عمل هست و گویی این پارادوکس در ذات ایمان ابراهیمی وجود دارد. البته دریدا از تفسیر کرکگور از داستان ابراهیم(ع) نیز تفسیری ساختارشکنانه ارایه می دهد.